

## متن پرسش

سلام استاد گرامی. خدا خیر دنیا و آخرت را به شما دهد. استاد سوالی ذهنم را به خود مشغول کرده که با توجه به افق اندیشه شما، مایلم پاسخ شما را بدانم. استاد گرانقدر؛ من دختری هستم که از سالها پیش که خودم را شناختم؛ به لطف خدای تبارک، دین، برایم در راس امور قرار داشت. همیشه عقیده ام بر این بوده که دین کل زندگی ماست و ما در این چارچوب باید زندگی کنیم در واقع نگاه حداکثری به دین. نه اینکه ما زندگی کنیم و دین بخشی از زندگیمان باشد. این حرف عوام را قبول ندارم که مثلا میگن فلانک کس همه چیزش به جاست و دین هم داره؛ کلا دیدگاهم این است که دین کل زندگی ماست و تمام ارتباطات ما در این بستر شکل می گیرد. (این عقیده و باورم هست و زندگی را اینگونه برای خودم تعریف که نه، باور کرده ام؛ حال در عمل شاید به این شدت کشش نداشته باشم اما در عقیده اینگونه ام)؛ استاد خواستگارانی که دارم اینگونه نیستند؛ در واقع آنها زندگی می کنند در کنارش به اصطلاح به دینی هم دارند. اصل برایشان این است که خانواده تشکیل دهند و خانه ای داشته باشند و بچه و بعدها هم بچه ها را سامان دهند و پیر شوند و ... اما من این نگاه را تکاثری می دانم؛ من نظرم این است که ما باید بنده خدا باشیم از صبح تا شب، هرکاری می کنیم باید خدا راضی باشد؛ نمی گویم دایم نماز بخوانیم و .... بلکه در هر کاری، خدا را و رضایتش را ملاک بدانیم؛ بعدها اگر فرزندی خداداد باید در طریق عبودیت و بندگی تربیتشان کنیم؛ سربازانی برای اسلام عزیز. استاد من به این نتیجه رسیده ام دو نفر که یکی نگاه حداکثری به دین داشته باشد و دیگری نگاه حداقلی به دین، بهتر است با هم ازدواج نکنند. من مایلم با کسی ازدواج کنم که دیدش مثل خودم باشد و هم اعتقاد باشیم. اینگونه «قوامیتش» هم در نظرم جلوه می کند؛ اما کسی که فقط به فکر زندگی و معیشت و ۲ تا ۴ تا کردن است را نمیتوانم قبول داشته باشم. استاد سوالم این است؛ آیا باید به هر قیمتی ازدواج کرد؟ یعنی این اختلاف دیدگاه چقدر مهم است؟ استاد گاهی فکرمیکنم خداوند که شرایط بندگی را برایم به وجود آورده، اگر آن موردی که مناسب است نیامد؛ بهتر؛ خب نیاید؛ بندگی می کنم. ما که نیامده ایم در دنیا ازدواج کنیم؛ آمده ایم عبادت و بندگی کنیم؛ پس بگذار با کسی همسفر باشیم که او هم اینگونه باشد. به خصوص اینکه خانمها معمولا در ازدواج، تحت تاثیر عقاید همسرانشان قرار می گیرند و معمولا عقاید مردها به طور نامحسوس بر زندگی ها حاکم می شود.؛ اگر همسفر خوبی نبود خوب مجرد میمانم. استاد اصلا نظر شما راجع به نگاه بنده به زندگی چیست؟ زندگی = بندگی. قدردان زحمات شماایم. پر از روحانیت و معنویت و خلوص باشید.

باسمه تعالی: سلام علیکم: نباید به هر قیمتی ازدواج کرد و حقیقتاً باید به دنبال بندگی خداوند بود تا در عالمی بسیار گسترده‌تر از دنیا زندگی کنیم. ولی یک خانم می‌تواند در کنار مردی که مانع زندگی دینی او نیست با همسر داری و بچه‌داری به بهترین شکل بندگی خود را داشته باشد. قوام‌بودن مرد به معنای مدیریت خانه است تا خانم خانه بهتر بتواند وظایف خود را انجام دهد. در کتاب «زن؛ آن‌گونه که باید باشد» بنده سعی کرده‌ام این نکته را متذکر شوم که چگونه یک زن در هر حال می‌تواند حیات طبیعی خود را داشته باشد. موفق باشید